

دکتر داود اصفهانیان

آذربایجان در عهد هلاکو

مقدمه :

حمله قوم مغول تحت فرماندهی چنگیزخان بسواحل سیحون در سال ۶۱۶ هجری بار دیگر سرگذشت ایران را بعد از حمله اعراب در مسیر جریانات و حوادث پیش‌بینی نشده‌ای قرار داد. قومی از دور دست‌ترین منطقه شرق آسیا بحرکت درآمد و در مدتی کمتر از ۳۰ سال سرتاسر آسیا بجز شبه‌قاره هند را تحت سلطه خود درآورد و پا از رود دانوب فراتر گذاشت و تا قلب اروپای مرکزی یورش برد. ایران نیز در مسیر این تهاجم بنیادکن قرار داشت و در آغاز این ایلغار شهرهای آباد و غنی و پیشرفته ماوراءالنهر خراسان و مرکز ایران لگدکوب ستم ستوران تاتارگشت و حاصل زحمات و تجربیات چندین قرنی تمدن و فرهنگ اسلامی این شهرها دستخوش حوادث گردید. ایران بخشی از امپراتوری بزرگی شد که قراقورم در دشت گپی واقع در آسیای شرقی مرکز این امپراتوری بود پس از تسلط اولیه بر قسمت اعظم ایران اداره آن بدین ترتیب بود که از طرف خان بزرگ يك نفر بعنوان حاکم یا فرمانروای مغولی تعیین میشد و وی به اتفاق امراء و سرکردگان مغولی و با همکاری و هدایت دولت مردان ایرانی به اداره امور می‌پرداخت. از سال ۶۲۶ هجری تا ۶۵۴ در مدت ۲۸ سال بترتیب پنج تن از امراء مغول

به اسامی جورماغون، جنتمور، نوسال، گرگوز و امیرارغون این سمت را در ایران داشتند (۱).

بعد از آنکه منگوقاآن (۶۴۸-۶۵۷ هجری) طی قوریلتائی در قراقرم بمقام خانی رسید و حکومت و اقتدار از خاندان اوگتای قاآن (۶۳۹-۶۲۶ هجری) به اصطلاح مغولای به اروغ تولی خان منتقل گردید، منگوقاآن مصمم شد که دامنه متصرفات مغول را گسترش داده و مناطق گشوده نشده مشرق و مغرب آسیا را به اتمام برساند. بهمین منظور دو برادرش قوبیلای و هولاکورامامور اجرای این تصمیم نمود قوبیلای به چین اعزام شد و هولاکو بطرف ایران مأموریت پیدا کرد (۲).

هولاکو در این مأموریت دو وظیفه داشت اول از بین بردن استحکامات اسماعیلیان و مطیع کردن عوامل آنان دوم تصرف بغداد و انقراض حکومت دینی بنی عباس. هر دو هدف برای مغولان ارزش بسیار مهمی داشت چه هر یک از این دو قطب مذهبی میتوانست محوری برای مقاومت و مقابله در برابر مغولان باشد هولاکو در سال ۶۵۱ هجری وارد ایران شد و پس از تدارک لازم به قلع و قمع قلاع اسماعیلیان پرداخت و سپس از طریق قزوین و همدان و کرمانشاهان عازم بغداد گردید و روز چهارم ماه صفر سال ۶۵۶ هجری بغداد سقوط کرد (۳).

(۱) رجوع شود به: جهانکشی جوینی. به اهتمام علامه فقید محمد قزوینی.

چاپ لیدن ۱۹۱۶ ج ۲ ص ۲۱۸.

(۲) رجوع شود به: جامع التواریخ، رشیدالدین فضل الله. بکوشش بهمن کریمی

انتشارات اقبال ج ۲ ص ۶۸۴.

(۳) جهانکشی جوینی ج ۳ ص ۱۸۰.

موقعیت آذربایجان در شرایط جدید .
 هولاکو بعد از مراجعت از بغداد آذربایجان را به دلایل زیر جهت
 اقامت و مقر حکومت خود برگزید ،

۱- آذربایجان نسبت به نواحی مشرق و مرکز ایران با وجود تاخوردن و تازهای
 جلال الدین خوارزمشاه و امراء محلی آسیب کمتری دیده بود و مرکز این ایالت شهر
 تبریز نیز با دادن تحف و خراج سنگین از قتل و غارت مغولان مصون مانده بود .
 ۲- با توجه به موقعیت جغرافیائی دره بین ارتفاعات سهند و سبلان ،
 آب و هوای مساعد آذربایجان از نظر بیلاق و قشلاق موافق با طرز زندگی و
 عادت مغولان بود .

۳- آذربایجان از نظر نظامی و سوق الجیشی موقعیت خاصی داشت .
 از يك طرف مغولان از طریق این ایالت بر منطقه ارمنستان و گرجستان مسلط
 میشدند و راه دسترسی دشت قبچاق به دریای سیاه و نیز بفلات ایران را در
 کنترل خود می گرفتند . لازم به تذکر است که بعد از تقسیم امپراتوری چنگیز خان
 بین چهار فرزند وی اوگتای ، چغشای ، تولی ، و جوجی منطقه دشت قبچاق
 یا آلتین اردو واقع در ماوراء دریاچه های خوارزم و خزر نصیب فرزندان جوجی
 یعنی با توخان گردیده بود و سرانجام ایران نیز سهم یکی از فرزندان تولی
 یعنی هولاکو خان شد. در ابتدای زمامداری هولاکو ایران رقابت سختی بین او و
 حکومت آلتین اردو آغاز گردید و مناسبترین راه حمله حکومت آلتین اردو به ایران
 از طریق قفقاز و آذربایجان بود. از طرف دیگر آذربایجان از طریق آنا تولی با
 حکومت بیزانس میتوانست ارتباط برقرار کند .

سرانجام مغول مشتاقانه در آرزوی تسلط بر مناطق شام و فلسطین و

مصر بودند و آذربایجان ایالت مناسبی برای دسترسی به مناطق بین‌النهرین و شرق مدیترانه بود و بطور کلی دفع حملات شمال غربی و نیز تسلط بر ناحیه شامات بهترین موقعیت را داشت.

هولاکو در آذربایجان:

هولاکو بعد از فتح بغداد و نواحی مختلف بین‌النهرین از طریق شامات و همدان به ایران برگشت و بطرف آذربایجان حرکت نمود. وی قبل از عزیمت به این منطقه غنائمی را که از بغداد بدست آورده بود همراه با اشیاء و نفایس دیگر جنگها به یکی از امراء مورد اعتماد خود ملک ناصرالدین بن علاء - الدین حاکم ری سپرد تا به آذربایجان حمل نماید، سپس دستور داد در جزیره شاهی قلعه مستحکمی برای نگهداری این خزائن بسازند (۴).
 منگوقاآن برادر بزرگتر هولاکو پس از فتح بغداد و ارسال قسمتی از غنائم بعنوان سهم خان بزرگ بحضور وی فوت کرد و برادر دیگر هولاکو قویلای قاآن (۶۹۳ - ۶۵۸ هـ) جانشین وی شد. قویلای قاآن نیز حکومت بین رود جیحون و منطقه شامات نواحی خراسان، منطقه مرکزی ایران (عراق عجم) آذربایجان، گرجستان و ارمنستان، آناتولی و عراق را به هولاکو (۶۶۳-۶۵۱ هـ) واگذار نمود. از این پس وی عنوان ایلخان به معنی «خان تابع» یا رئیس قبیله پیدا کرد و این عنوان به جانشینان وی نیز منتقل شد و بازماندگان هولاکو به سلسله ایلخانان معروف گردیدند و در واقع نیز هولاکو تابع مرکز امپراتوری

مغول بود و از زمان آباقاخان (۶۸۰-۶۶۳ هـ) حکومت ایلخانی ایران استقلال کامل پیدا کرد. در زمان آباقاخان و پسرانش در زمان حاکمان مغول در ایران و نواحی قلمرو حکومت خود را به نواحی مختلف تقسیم کرد. نواحی خراسان، مرکز ایران و مازندران را به پسر بزرگتر خود آباقاواگذار نمود و نیز نیشابور را مرکز حکومت خود قرار داد و حکومت آذربایجان و آران (۵) نیز نصیب یشموت پسر دیگر هولاکو شد. در زمان هولاکو مراغه مقرر رسمی و مورد توجه وی قرار گرفت. زیرا این ناحیه شرایط مساعد برپسائی اردو و محل اتراق دستگاه حکومتی وی را داشت. دشت همواری بود که صافی رود یا به اصطلاح محلی «صوفی چائی» از کنار آن میگذشت و بدریاچه ارومیه منتهی میشد از طرف دیگر به دامنه‌های جنوب غربی کوه سهند مشرف بود و از لحاظ چراگاه ایلخی خانی بسیار مناسب بود. هولاکو بعد استقرار در مراغه دستور داد تا خواجه نصرالدین طوسی دانشمند کم نظیر عصر رصدخانه معروف را برپا دارد (۶).

در این دوره هنوز خلق و خوئی چادر نشینی و کوچ کردن در دوره تابستان و زمستان یا عزیمت به بیلاق و قشلاق قسمتی از امور متداول زندگی مغولان

(۵) اراک منطقه بین شمال رود ارس و بادکوبه و گنجه در قفقاز میباشد. رجوع شود به تذکره جغرافیای تاریخی ایران بارتولد. ترجمه حمزه سردادور ۱۳۰۸ چاپ اول ص ۲۷۹.

(۶) برای اطلاع کامل از این رصدخانه رجوع شود به: احوال و آثار، محمد بن الحسن طوسی (ملقب به نصرالدین) تألیف محمد تقی مدرس رضوی. انتشارات بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۵۴ و یادنامه خواجه نصیرالدین طوسی. انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۳۶

را تشکیل میداد و این موضوع بعدها در تاریخ ایران باعث تقویت عشایر و روی کار آمدن يك نوع نظام فئودالی عشایری میشود که تا این اواخر این نظام اجتماعی مسیر سیاست مملکت را تحت الشعاع خود قرار داده بود که توضیح مفصل آن از بحث ما خارج است (۷).

مسلمانان اردو هائی در اطراف مراغه تشکیل میشده است که در آن چادرها و خیمه های منسوبین خان و امراء و رجال بر پا میشده است. بغیر از مراغه مناطق دیگری هم توجه هولاکو را بخود جلب کرده است از آن جمله آلتاغ واقع در ارمنستان که بدستور وی قصری در آنجا ساخته شده و تابستان را در آنجا میگذرانند (۸)، دشت مغان نیز محل قشلاق بوده است و از بردع قفقاز و اوجان (۹) و قراباغ و کنار زربنه رود یا جغتو نیز بعنوان محل اتراق اردوی هولاکو نام برده میشود.

مادر هولاکو سر قسوتی عیسوی بود و دو قوز خاتون زن مورد توجه هولاکو نیز مسیحی متعصبی بود و از این طریق هولاکو توجه خاصی به مسیحیت داشت معذک خود پای بند دین بودا بوده است (۱۰) بهمین دلیل دستور داده است

(۷) برای اطلاع بیشتر رجوع شود به: پیش گفتار کتاب «کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول» نوشته پطروشفسکی ترجمه کریم کشاورز. انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران ۱۳۴۴ ج ۱.

(۸) نزهة القلوب. حمدالله مستوفی. بکوشش محمد دبیرسیاقی. انتشارات طهوری تهران ۱۳۳۶ ص ۱۱۸.

(۹) اوجان شهری در ۸ فرسخی تبریز سر راه میانه بوده است. رجوع شود به تذکره جغرافیای تاریخی بار تولد ص ۲۷۵.

(۱۰) تاریخ مغول در ایران. بار تولد اشپولر، ترجمه محمود میر آفتاب. انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب ۱۳۵۱ ص ۱۸۵.

تا در خوی بتخانه‌ها بسازند و خود در این پرستشگاهها بعبادت مسی پرداخته است (۱۱).

بدیهی است بعد از فوت هولاکو در زمان سلطان احمد تکودار (۶۸۳هـ -

۶۸۱هـ) که مسلمان شده بود این پرستشگاهها رو بویرانی گذاشته و سرانجام

بدستور سلطان محمد غازان خان (۷۰۳-۶۹۴هـ) بکلی ویران شده است. با

وجود اینکه مراغه بعنوان مقرر رسمی ایلخان شناخته شده بود بطوریکه اشاره

گردید مغولان زندگی کوچ‌نشین داشتند و در مناطق یاد شده به بیلاق و قشلاق

می‌پرداختند لذا مجبور بودند نقطه مناسبی را جهت تمرکز سازمانهای اداری

و تشکیلات حکومتی انتخاب نمایند. این محل میبایست با کوتاهترین فاصله

مشرق بمناطق رفت و آمد آنان باشد. بهمین دلیل تبریز موقعیت پایتخت اداری

را پیدا کرد. شهر تبریز در حملات مغول آسیب کمی دیده بود و مغولان چندین

بار بشهر نزدیک شده بودند و بطوریکه ذکر شد مردم با دادن هدایا و قبول

ایلی از قتل عام و ویرانی نجات پیدا کرده بودند. بنا بر نوشته بار تولد کیفیت

و کمیت این تحف نشان میدهد که موقعیت مادی اهالی شهر بواسطه رونق

صنایع و تجارت تا چه حد جالب توجه بوده است (۱۲).

مارکوپولو جهانگرد سوداگر و نیزی که در اواسط نیمه دوم قرن هفتم

(۱۲۷۱ م) از تبریز دیدن کرده است و تنها سیاحی است که نزدیک به دوران

زاممداری هولاکو یعنی در زمان گیخاتو (۶۹۳-۶۹۰هـ) از این شهر اطلاعات

(۱۱) جامع التواریخ ج ۲ ص ۷۳۴

(۱۲) جغرافیای تاریخی بار تولد ص ۲۷۱

با ارزشی در اختیار ما میگذارد. وی می نویسد که تبریز شهر آبادی است از ولایت عجم و از همه شهرها پرجمعیت تر و آبادتر و ساکنان آن از طریق داد و ستد و تهیه امتعه گوناگون زندگی خود را تامین میکنند. در کارگاههای این شهر انواع پارچه های ابریشمی و حریر و زربفت بافته میشود و موقعیت بازرگانی شهر به اندازه ای مناسب است که از هندوستان، بغداد، موصل و هرمز برای تجارت بآنجا می آیند و بهترین سنگهای قیمتی و مرواریدها را در این شهر میتوان تهیه کرد. مارکوپولو اضافه میکند که نجاری که باملل خارجی داد و ستد دارند ثروتمند هستند ولیکن اکثریت مردم - امکان خوبی ندارند و این امر بعد از آنهمه نابسامانی دوره جلال الدین و خوارزمشاه و امراء محلی و حتی حکومت ایلخانی مغول طبیعی بنظر میرسد. از گزارشهای وی چنین معلوم میشود که در این شهر مردمی با ادیان مختلف از قبیل مسلمان، زرتشتی، نسطوری، ارمنی و گرجی میزیسته اند و بروشتی اظهار نظر میکند که اینان پیرو آداب و رسوم و سنن خود هستند بزبان قومی خود تکلم میکنند ولیکن همه خود را تبریزی میدانند. ضمناً یادآوری میکنند که این شهر باغهای باصفای فراوان دارد که در آنها انواع درختان میوه کاشته میشود (۱۳). یکی از باغهای معروف ایندوره تبریز که اطلاعاتی از آن بدست ما رسیده است باغ صاحب آباد میباشد که متعلق به صاحب دیوان خواجه شمش الدین محمد - جوینی وزیر مسئول امور مالی هولاکوخان، آباقاخان و سلطان احمد تکوودار

(۱۳) سفرنامه مارکوپولو با مقدمه جان ماسفیلد ترجمه صحیحی. انتشارات بنگاه

بوده و بدستور او احداث گردیده است. خواجه شمس‌الدین وزیر‌کاردان و در عین حال متمولی بود که بعد از ایلخان از هر حیث مقتدرترین دولت‌مرد دستگاه اقتدار محسوب میشد و اکثر اوقات خود را در تبریز میگذراند. وی باغ بزرگی در ساحل شمالی مهران رود با ساختمانی مجلل ساخت که به باغ صاحب آباد معروف شد (۱۴). در دوره‌های بعد در محوطه این باغ بزرگ میدانی جهت سان سپاه ساخته شد و بناهای دیگر نیز در ادوار مختلف در آن ایجاد گردید و سرانجام در زمان قاجاریه نام میدان صاحب آباد و صاحب‌الامر تبدیل شد و هم‌اکنون میدان مزبور بنام صاحب‌الامر مرکز پخش و توزیع تره بار و خواربار تبریز است (۱۵).

باید یاد آور شد که بعد از هولاکو مقرر حکمرانی اغلب ایلخانان شهر تبریز بوده است.

آثار پابرجا از دوره هولاکو در آذربایجان:

۱- رصدخانه مراغه.

بازسازی رصدخانه مراغه اخیراً مورد توجه قرار گرفته و پس از کاوشهای

(۱۴) حبیب‌السیر. خواند میرج ۳ ص ۱۰۵-۱۰۴

(۱۵) رجوع شود به: آثار باستانی آذربایجان. تالیف عبدالعلی کارنگ. انتشارات

انجمن آثار ملی ۱۳۵۱ ج ۱ ص ۱۵۹.

(۱۶) مقاله کشف مجموعه علمی رصدخانه مراغه، دکتر پرویزور جاوند. مجله

هنر و مردم شماره ۱۸۱ سال شانزدهم آبان ۳۶ و کتاب «معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان». دونالد. ویلبر ترجمه عبدالله فریار. انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب

۱۳۴۶ ص ۱۱۷.

مقدمانی قسمت‌های باقی‌مانده پی‌ها و دیوارهای آن مشخص گردیده و هیاتنی مرکب از باستان‌شناسان دانشگاه تهران مأمور احیاء و بازسازی این بنای عظیم تاریخی شده‌اند (۱۶).

۲- گنبد کبود یا مقبره مادر هولاکو.

در مراغه بر پی بنام گنبد کبود وجود دارد که به غلطه شهر به مقبره مادر هولاکو شده است طبق تحقیقات آندره گودار این بنا آرامگاه مادر هولاکو نمیتواند باشد. زیرا مادر هولاکو مسیحی بود در حالیکه این بنا تزئیناتی با خطوط کوفی و آیات قرآنی دارد (۱۷).

۳- آثار جزیره شاهی:

در ارتفاعات جزیره شاهی واقع در دریاچه رضائیه آثاری وجود دارد که گفته میشود همان محلی است که بدستور هولاکو برای خزان وی ساخته شده است و گویا قسمتی از این محل در زمان آباقاخان بدریاچه فرو ریخته است. گفته میشود که هولاکو بعد از فوت در سال ۶۶۳ در کنار زربنه رود به جزیره شاهی منتقل و در محل خزانه دفن گردیده است و در آنجا بغیر از هولاکو پسرش آباقاخان و یکی از امراء مغول دفن شده‌اند و بهلمین علت این مکان به «گور قلعه» معروف شده است (۱۸).

دونالد ویلبر مولف کتاب «معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان»

مینویسد:

(۱۷) آثار باستانی و ابنیه تاریخی آذربایجان تألیف اسماعیل دباج انتشارات

شورای مرکزی جشن شاهنشاهی ۱۳۴۶ ص ۸۶.

(۱۸) آثار باستانی آذربایجان. عبدالعلی کارنگ ص ۵۴۱. ۷۱۱/۹۹۶۱

«در جزیره شاهی خرابه‌هایی که بتوان با خزانه و مقبره هولاکو منطبق نمود پیدا نشده است و تفحصات بیشتر بخصوص در مورد قلعه نزدیک به ساحل غربی باید بعمل آید. بریدگیهای صفحه صخره ناحیه سرای حاکی از عملیات بر طبق نقشه میباشد و انتساب آن به زمان هولاکو از حدود احتمال خارج نمیتواند باشد (۱۹)».

نتیجه:

امحاء و قتل عام شهرهای کهنسال تاریخی ایالات شرقی و مرکزی مانند سمرقند، بخارا، غزنین، مرو، طوس، نیشابور، ری و اصفهان و دهها شهر دیگر که متمدن‌ترین و معمورترین شهرهای آن ادوار را تشکیل میدادند و پررونق‌ترین نواحی اقتصادی و فرهنگی جهان محسوب میشدند سبب گردید تا مغولان متوجه ایالت شمال غربی یعنی آذربایجان که آسیب کمتری دیده بود بشوند. صرف نظر از ویرانی و خالی از سکنه شدن مشرق و مرکز ایران بدلائل نظامی و موقعیت تدافعی و تهاجمی آذربایجان در مقابل حکومت آلتین اردویا خانان دشت قیچاق و شام و مصر توجه به این منطقه را الزامی کرد و از زمان هولاکو بعد آذربایجان محل استقرار ایلیخانان گردید. اقامت و اسکان آنان و علاقمندی آنان و تمرکز اقتدار مغول در این ناحیه سبب شد که ثروت و رونق و فرهنگ سابق ایالات شرقی و مرکزی به آذربایجان منتقل شود.

بطوریکه از گزارش مارکوپولو استنباط میشود شهر تبریز نه تنها بصورت مرکز سیاسی و اقتصادی و فرهنگی ایران در آمد بلکه از موقعیت تجارتهای بین‌المللی نیز برخوردار شد و از آن پس بعنوان مرکز مبادلات بازرگانی، مورد توجه سوداگران و تجار شرق و غرب قرار گرفت. علاوه بر تبریز شهرهای مراغه، خوی، سلماس، دهخوارقان، اهر و اوجان و دیگر شهرهای آذربایجان نیز هر یک بنا بر موقعیت جغرافیائی رونق تازه‌ای یافتند.

آداب و تشریفات عبادت در نزد هندوان بسیار مفصل و درهم و پیچیده است. هر یک از طبقات اربعه اجتماعی در چهارچوبه رسوم و طبقه خود آنها را انجام میدهند و در همه جا بر همنان بر آن نظارت میکنند. از هنگام آبستنی جنین تا زمان رحلت، هر فرد هند و در هر مرحله از عمر مراسمی مختلف چون زایمان، مکتب رفتن، عروسی، اعیاد گوناگون و طواف دور معابد هر کدام جداگانه تشریفاتی دارد. (تاریخ ادیان)